

## نادانی فرعون

ابلیس وقتی نزد فرعون آمد وی خوشه ای انگور در دست داشت و تناول می کرد .



ابلیس وقتی نزد فرعون آمد وی خوشه ای انگور در دست داشت و تناول می کرد .  
ابلیس گفت :

هیچکس تواند که این خوشه انگور تازه را خوشه مروارید خوشاب ساختن ؟  
فرعون گفت : نه

ابلیس به لطایف سحر ، آن خوشه انگور را خوشه مروارید خوشاب ساخت .  
فرعون بسیار تعجب کرد و گفت : اینت استاد مردی که تویی !

ابلیس سیلی بر گردن او زد و گفت :  
مرا با این استادی به بندگی حتی قبول نکردند ،  
تو با این حماقت ، دعوی خدایی چگونه می کنی !!!